

تبلیغ در سیره و گفتار عارفان

موانع و مشکلات

۱۲

رحیم کارگر

دانست که مستمعان از نظر فکری، اخلاقی، دینی و... با هم تفاوت دارند و برخی از آنان چنان در لجنزار گناه غرق شده و یا در دام هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی گرفتار آمده‌اند که به این آسانی نمی‌توان آن‌ها را هدایت کرد و یا در آنان تأثیر گذاشت.

نکته قابل توجه این که آیا مبلغان، قصد دارند فقط خطابه‌ای ایراد کنند و کلماتی چند به گوش و عطف شنوندگان برسانند یا این که می‌خواهند تغییر و تحولی نیز در اخلاق و رفتار آنان به وجود آید و واقعاً به طرف اخلاق و معنویت کشیده شوند؟

شهید مطهری رحمته الله علیه می‌گوید:

یکی از برنامه‌های اساسی و بایسته مبلغان، شناخت و درک مشکلات، موانع، ضعف‌ها، کاستی‌ها و کمبودهای تبلیغ است. مبلغ باید مانند یک طیب آگاه، روان‌شناس متبحر و جامعه‌شناس دلسوز، در صدد شناخت و معالجه بیماری‌های روحی و روانی مخاطبان خود باشد. از این رو باید به دقت و با ژرف نگری، امراض و دردها را بشناسد و راه کارهای مناسب با آن‌ها را پیدا کند.

مهم‌ترین وظیفه «مبلغان» ابلاغ آیات الهی و احادیث معصومین علیهم‌السلام به تشنگان و شیفتگان معارف دینی و دورماندگان از آیات الهی است، اما باید

«موعظه و خطابه متفاوت است. سر و کار خطابه با احساسات است. خطابه تهییج و بی تاب کردن احساسات است، [اما] موعظه برای رام ساختن و تحت تسلط در آوردن است. خطابه آن جا به کار آید که احساسات خمود و راکد است و موعظه آن جا ضرورت پیدا می کند که شهوت و احساسات خودسرانه عمل می کند.»^۱

ایشان سپس شرایط و عطر را چنین برمی شمرد:

۱. موعظه، تذکار است؛
۲. موعظه، برای بیداری است؛
۳. موعظه، مبارزه با غفلت است؛
۴. سر و کار موعظه، با دل و عاطفه است؛
۵. موعظه، یادآوری می کند؛
۶. موعظه، ذهن را برای بهره برداری از موجودی خود، آماده می سازد؛
۷. موعظه، باز کردن چشم است؛
۸. موعظه، برای به خود آمدن است؛

۹. موعظه، پیام روح است؟
۱۰. موعظه واقعی، در دل اثر

- می کند؛
۱۱. موعظه، به دل نرمی و رقت می دهد و قساوت را از دل می برد؛
 ۱۲. موعظه، خشم و شهوت را فرو می نشاند و هواهای نفسانی را تسکین می دهد.
 ۱۳. موعظه، به دل صفا و جلا می دهد.^۲

در این صورت شایسته است که مبلغان و واعظان، موانع و مشکلات روحی و روانی افراد را بشناسند؛ از ضعف و کمبودهای برنامه تبلیغی خود آگاه شوند؛ تفاوت اخلاقی و رفتاری مردم را تشخیص دهند؛ به سختی ها و کاستی های راه پی ببرند و در نهایت به صورت حساب شده و آگاهانه، فعالیت دینی - الهی خود را آغاز کنند. استفاده از شیوه های علمی تحقیق و مطالعه و روش های نوین تبلیغی، بسیار مفید و سازنده است.

عارفان الهی و علمای اخلاق، به مشکلات و موانع چندی در راه تبلیغ -

۱- سیری در نهج البلاغه، ص ۱۹۴ و ۱۹۳.

۲- همان.

۳- ده گفتار، ص ۲۲۴ و ۲۶۰.

مواظبت بر عبادات و طاعات ظاهری، سودی نخواهد بخشید و در آرایش ظاهر، در حال فرو گذاشتن باطن چه فایده‌ای هست؟^۱»

شد وقت آن که درد نهران را دوا کنیم
روی نیاز خویش به سوی خدا کنیم
ای خفتگان بستر راحت، سحر رسید
خیزید تا که چاره جرم و خطا کنیم
۱. هواپرستی و تکبر

یکی از موانع مهم تبلیغ، هواپرستی اشخاص و پیروی کور کورانه و متعصبانه از هواهای نفسانی و امیال درونی است. چنین افرادی به سختی نصایح دلسوزان را می‌پذیرند و از خواسته‌های نفسانی دوری می‌گزینند و کبر و غرور نابه جای خود را کنار می‌نهند.

صدرالمآلهین شیرازی رحمته الله علیه در این رابطه نوشته است:

«سخن حق گزاران در گوش هواپرستان تلخ می‌نماید و کلام حکمت‌گویان در مذاق متکبران و طبع خود پسندان مغرور به جاه و زینت،

به خصوص از ناحیه خود مستمعان - اشاراتی کرده و مطالبی را بیان داشته‌اند که به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند.

البته باید دانست که عمده موانع و مشکلات مربوط به مخاطبان است. این موانع و کاستی‌ها به صورت اخلاق نکوهیده و رذیله و صفات ناپسند در آنان بروز می‌کند که باید یکایک آن‌ها را در نظر داشت و به معالجه و درمان آن‌ها پرداخت.

دانشمند اخلاقی مآله مهدی نراقی رحمته الله علیه می‌نویسد:

«آدمی تا از صفات و اخلاق رذیله پاک نشود، به صفات و اخلاق فاضله آراسته نخواهد شد و نفس آماده درک فیوضات و بهره‌های قدسی نخواهد گشت؛ چنان که آئینه تا زنگار از چهره‌اش زدوده نشود، استعداد پذیرش صورت‌ها و نقش‌ها را نخواهد داشت، به همین گونه تا نفس انسان از صفات ناپسند و زشت (مانند تکبر، حسد، ریا، حبّ مقام و شهوت و بدخواهی نسبت به نزدیکان و همکاران) پاک و صافی نگردد،

۱ - جامع السعادات، ج ۱، ص ۴۱ و ۴۲.

ناخوش می‌افتد: «سَأْضُرَّفُ عَنْ آيَاتِي
الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا
كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ
لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعَمَىٰ يَتَّخِذُوهُ
سَبِيلًا»^۱؛ «به زودی کسانی را که در
زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از آیاتم
روی گردان می‌سازم [به طوری که] هر
نشانه‌ای را [از قدرت من] بنگرند، بدان
ایمان نیاورند و اگر راه صواب را
ببینند، آن را برنگزینند و اگر راه
گمراهی را ببینند آن را راه [خود] قرار
دهند.»

هر که در مقام نصیحت و راست
گویی با ایشان در آید، به دشمنی وی
گرایند و آغاز لجاج و عناد نموده، چون
سگ دیوانه در وی جهند و به زور
تلبیس و مکر، رد سخنانش کنند.^۲
پس می‌بینیم که یکی از موانع
اساسی تبلیغ و هدایت، تکبر، خود
پرستی، خود خواهی و هوا پرستی
عده‌ای است که حاضر نیستند به هیچ
قیمتی، آیات حق را بشنوند و در مقابل
آن سر تسلیم فرود آورند. چنین
اشخاصی نه تنها خود هدایت
نمی‌شوند؛ بلکه مانع هدایت و

رستگاری دیگران نیز می‌شوند و در
راه پیام آوران نور و روشنایی، مانع
تراشی می‌کنند.

۲. طبیعت و سرشت

طبیعت و سرشت برخی از افراد
به گونه‌ای است که عمدتاً با بدی‌ها و
ناراستی‌ها تناسب دارد و از نیکی‌ها و
خوبی‌ها دوری می‌گزیند. چنین
افرادی دارای اخلاق و رفتار زشت و
ناپسند هستند و در مقابل هر گونه
راهنمایی و ارشاد ایستادگی می‌کنند.
صاحب «تهذیب الاخلاق» می‌نویسد:
«اکثر مردمان دارای سیرت
نکوهیده و اخلاق ناپسندیده‌اند و
چون آدمی به طبیعت خود واگذاشته
شد و نیروی اندیشه و دریافت و آزم
خوبیستن‌داری خویش را به کار
نگرفت، اخلاق چار پایان بر او غالب
می‌گردد؛ زیرا آدمی، از دیگر حیوانات،
تنها به نیروی اندیشه و دریافت،
تمایز است. و چون این نیروها را به
کار نگرفت، شهوات بر وی فرمان روا
بوده، در عادات بهائم انباز است؛

۱- اعراف/۱۴۶.

۲- رساله سه اصل، ص ۵۳ و ۵۴.

توجه به طبیعت سرکش و گنه پرستان، میل زیادی به کژی‌ها و نادرستی‌ها دارند. مبلغان باید با تلاش فراوان و برنامه ریزی دقیق، به یاری اینان بشتابند.

صاحب «تهذیب الاخلاق»

می‌نویسد:

«افرادی هستند که خواه خود به کژی‌ها و کاستی‌های خویش آگاه گردند و یا آگاهشان کنند و اگر هم قصد عدول از آن را داشته باشند، برایشان دشوار است و هر چند خواهان ترک آن ناشایسته‌ها باشند و بکوشند، سرشت ایشان پذیرای سیرهٔ مرضیه نیست... اینسان نیازمند دلالت در جهت ارزش‌های اخلاقی سخت و اجرای کارهای دشوار به منظور تحقق عادات پسندیده در خویشند تا به تدریج به راه آورده شوند.»^۱

۳. جهل و نادانی

یکی از موانع و مشکلات بر سر راه تمامی پیام‌آوران الهی، جهل و نادانی مردمان است. این‌گونه افراد

شهوات بر وی غالب و آزر از وی غایب شده؛ خشم او را بی‌آرام ساخته و آرامش خاطر از وجودش رخت بر بسته، آزمندی و افزون‌خواهی، ملکهٔ او می‌گردد...

مردمان به طبیعت، بر اخلاق

ناپسند‌گرایش دارند و فرمانبردار هوس‌های پست خویشند... روشن است که در وجود آدمیان، اخلاق ناپسند سرشته است. منتها برخی مقهور و منقاد آن می‌شوند که این دسته در عداد بدان‌اند. اما برخی دیگر در سایهٔ جودت فکر و نیروی تمییز، به زشتی اخلاق خویش پی برده و از آن روی گردانیده و بر دوری از آن، سعی بلیغ می‌نمایند.^۱

باید با تلاش فراوان، نیروی فکر و اندیشه را در این‌گونه افراد به حرکت در آورد و آنان را با پستی‌ها و نتایج شوم زندگی حیوانی آگاه کرد و به طرف سرشت الهی و معنوی، رهنمون ساخت. این‌گونه افراد، ممکن است حتی در محیط‌های مذهبی و خانواده‌های دین‌دار زندگی کنند و از انواع هدایت‌ها برخوردار باشند؛ اما با

۱- تهذیب الاخلاق (یحیی بن عمید)، ص ۴۸.

۲- همان، ص ۴۹.

چنان غرق در زندگی گنه آلود خود هستند که گویا فرق بین خوب و بد و حلال و حرام را نمی‌دانند و در جهل خود غرق شده‌اند.

حکیم الهی ملا صدرای شیرازی رحمته الله علیه در این رابطه می‌نویسد:

«حبّ جاه و منصب و لذّت مال و ریاست، غرور به نفس اماره به مکر و حیل و آنچه بدان ماند، از امراض نفسانی و از مهلکات است و از اصول جهنّم است که همین که رسوخ در نفس پیدا کرد و مزمن گشت، اطّباى روحانی، از علاج آن عاجزاند و حسم (بریدن) ماده آن را نمی‌توانند کرد چنان که اطّباى جسمانی، از علاج اکمه و ابرص عاجزاند.

از حضرت عیسی - علی نبینا وآله و علیه السلام - منقول است که گفت: من از علاج اکمه و ابرص عاجز نیستم؛ اما از علاج جهل مرکب عاجزم؛ زیرا که از جمله امراض نفسانی است. همه امراض نفسانی چنان است که چون راسخ گشت، موجب هلاک ابد است و زوالش محال است.^۱»

علامه راغب اصفهانی نیز گوید:

«[شخص] جاهل به حق و باطل یا خوب و بد است. او باطل و زشتی را صحیح و زیبا می‌داند و در عین حال نفس شرور نیز دارد و شرارت ذاتی خود را فضیلت و برتری و کمال به حساب می‌آورد... این دشوارترین حالت نفسانی است...^۲»

همچنین صدرالمآلهین شیرازی رحمته الله علیه می‌گوید:

«چه فایده که اکثر جاهلان، خود را کامل می‌دانند و اکثر اهل تلبیس و غرور، خود را محقّ و مصیب می‌شمرند و بسیاری از بیماران نفس و هوا، خود را صحیح می‌پندارند.^۳»

مبلغان باید تلاش کنند که ریشه‌های جهل و نادانی را در وجود مردم خشک کنند و آنان را به معارف حقیقی دین و حرام‌ها و حلال‌های الهی آشنا سازند و چشم بصیرت آن‌ها را بر روی حقایق باز کنند.

۴. توجه به ظواهر

بسیاری از افراد دین‌دار بیشتر از

۱ - رساله سه اصل، ص ۷۳.

۲ - کرانه سعادت، ص ۷۷.

۳ - رساله سه اصل، ص ۷۳.

آن که با حقیقت و واقعیت دین آشنا بشوند و به معارف الهی پی ببرند، ظواهر و پوسته دین را می بینند، خود را بدان پایبند می سازند و از خود رفع تکلیف می کنند. هدایت و راهنمایی اینان، ضرورت زیادی دارد و تلاش مستمر و حساب شده ای را می طلبد.

عارف ربانی حاج میرزا جواد
ملکی تبریزی رحمته الله علیه می نویسد:

«بیشتر مردم در عبادات و کارهای آخرت و حتی در ایمان و اخلاق خود به شکل ظاهری آن چسبیده؛ ولی در امور دنیایی علاوه بر انجام دادن شکل ظاهری، برای به دست آوردن حقیقت و واقعیت آن، دقت زیادی به خرج می دهند؛ مثلاً بیشتر مردم فقط شکل نماز را به وجود آورده و برای تکمیل ظاهر آن کوشش کرده؛ ولی در پی به دست آوردن روح آن نیستند!

مهم ترین چیزی که باعث از بین رفتن دین و آخرت انسان شده و او را به سوی دنیا کشیده و باعث حاکمیت هوای نفس بر انسان می شود، همین مطلب است.

[به طور مثال] هر کدام از کارها و

ذکرهای نماز - از طهارت و تکبیر گرفته تا سلام دادن و خواندن تعقیبات نماز - همگی دارای شکل و روح می باشند؛ ولی مردم شکل ظاهری نماز را یاد گرفته و برای درست کردن تقلید و آموختن نماز تلاش نموده و در این موارد احتیاط می کنند، حتی درباره میزان معلومات و تقوای مراجع تقلید تحقیق کرده و در این باره با یکدیگر بحث می کنند، درباره پاک بودن آب و پاک کردن اعضای بدن زیاده روی کرده و برای رساندن آب به اعضای وضو، به اندازه ای تلاش می کنند که شرع از آن ها نخواست و حتی با صراحت آن را نهی کرده است!! و همین طور در مورد پاک کردن مکان و لباس نماز ...، هنگام خواندن قرآن و در نماز و گفتن ذکر به اندازه ای در ادای حروف از مخارج آن دقت کرده و زیاده روی می کنند که در نهایت آن را غلط می خوانند! ولی گویا اصلاً دستور ندارند که اعضای بدن خود را از گناهان و دل را از اخلاق رذیله، نفاق، دوستی غیر خدا و به یاد غیر خدا بودن پاک کنند که به این امور

نمی پردازند!!^۱»

از آن جایی که این افراد از دین و معنویت روی گردان نیستند و تنها به پوسته ظاهری آن انس گرفته اند؛ زودتر از همه می توانند پذیرای حقایق و واقعیت های دین شوند و دست از تظاهر و سطحی نگری بردارند.

۵. تیرگی دل

برخی از افراد، به علت گناه زیاد، دچار قساوت و تیرگی دل می شوند و لذت معنویت و دین داری را درک نمی کنند. از این رو موعظه ها و آیات الهی در آنان تأثیری ندارد و هشدارها و اندازها ترسی در آنان ایجاد نمی کند. عالم ربّانی ملا مهدی نراقی رحمته الله می نویسد:

«اخلاق بد و ناپسند مانند پرده هایی، انسان را از معارف الهی مانع می شوند و اگر بر طرف نشوند، حال روحانی و معنوی برای انسان، رخ نمی نماید و معرفت و محبت و انس به خدا در دل های مشغول به غیر خدا راه نمی یابد. چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

«لَوْلَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُمُونَ عَلَى قُلُوبِ

بَنِي آدَمَ لَسَنَظَرُوا إِلَى مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ اگر شیاطین اطراف دل های بنی آدم را فرا نگرفته بودند، آدمیان می توانستند به ملکوت آسمان ها و زمین بنگرند.»

بنابراین همان قدر که دل ها از آلودگی ها و پلیدی ها پاک شوند، رو به حق می آورند و حقایق و معارف الهی در آن ها تجلی می یابد.^۲

گفتنی است که آلودگی و قساوت دل، پرده و حجابی بین شخص و خدا ایجاد می کند؛ از این رو او از رحمت فیض الهی به دور می ماند و همچنان در گناه و ظلمت غرق می شود. چنین شخصی باید از راهنمایی و هدایت مبلغان بهره مند شود و دل را از سیاهی و تیرگی پیراسته کند و آن را صفا بخشد.

«حصول [رحمت الهی] بستگی دارد به صفا و صیقل دادن آینه دل از پلیدی ها و آلودگی های طبیعی و با انباشته شدن زنگارهای طبیعت بر این آینه، امکان ندارد که چیزی از حقایق

۱- المراقبات، ص ۵۳۸ و ۵۳۹.

۲- جامع السعادات، ج ۱، ص ۴۳.

در آن تجلی کند. پس پوشیده ماندن دل از انوار علمی و اسرار ربوبی، به سبب آلودگی و تیرگی دل و اشتغال آن به چیزهایی است که با آن علم ناسازگار است.^۱»

حال اگر افراد آلوده دل، به مرضی و مشکل خود پی نبرند و به زندگی سراسر ظلمت و دنیایی خود ادامه دهند، کم کم از دایره تعادل خارج می شوند و به طرف جمود فکری حرکت می کنند. در نتیجه دل آنان تیره تر شده و زنگارهای شهوانی بر آن سایه می افکند. مبلغین باید با بیان آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام و حکایات و پندها، از نابودی معنوی چنین اشخاصی جلوگیری کنند و به هدایت آنان پردازند.

حکیم صدرالمآلهین شیرازی می نویسد:

«هر که آینه دل را - که قابل عکس

انوار معرفت الهی و پرتو نور توحید بود -، در زنگ شهوات و مرادات نفس و کدورات معاصی و غشاوه طبیعت فرو برده و بر آینه ضمیر، خاک جهالت و بدبختی بیخته و پاشیده، و جام جهان

نمای روح را در ظلمات بدن و لجن دنیا، غوطه داده؛ کی روی فلاح و نجات خواهد دید و کجا پذیرای اصلاح و قابل صیقل دل فزای کلمات حکمت و آیات قرآن خواهد گردید.

توان پاک کردن ز زنگ آینه

ولیکن نیاید ز سنگ آینه

حکمت و نصیحت و موعظت،

دل خفته را بیدار کند؛ اما دل مرده را سود نبخشد: «كَلَّا بَلْ زَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^۲» و «فَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ قَهْمٌ لَا يُفْقَهُونَ^۳»

جان شهوت دوست از دانش تهیست

همچو حیوان از علف در فریبهیست

اونسیند جز که اصطلب و دواب

غافل از اندیشه یوم الحساب^۴»

عادات‌های ناروا

عده‌ای از مردم در طول زندگی

خود، دچار عادت‌های ناپسندی (مثل

۱- همان.

۲- مطففین/ ۱۴. «چنین نیست [که آن‌ها می پندارند]، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است.»

۳- منافقین/ ۳. «بر دل‌های آن‌ها مهر نهاده شده، پس حقیقت را درک نمی‌کنند.»

۴- رساله سه اصل، ص ۵۳.

مببلغان و واعظان، باید با برنامه‌های مختلف و با استفاده از شیوه‌های علمی (به خصوص روان‌شناسانه)، سعی در ریشه‌یابی این عادت‌ها و درمان آن‌ها کنند و جایگزین‌های مناسبی برای آن‌ها ارائه دهند؛ مثلاً اگر شخصی عادت به بازی قمار دارد؛ باید او را به طرف تفریحات و هنرهای سالم کشاند و وی را سرگرم کارهای سالم و مفید نمود.

۷. غفلت و بی‌توجهی

برخی از مردم، به علت اشتغالات روزمره زندگی و غرق شدن در تجملات و مادیات، از مسائل اخلاقی و معنوی غافل می‌شوند و از ذکر و یاد خدا باز می‌مانند. در نتیجه فرقی بین حرام و حلال، حق و باطل، راست و دروغ و... قائل نمی‌شود.

صاحب «میزان العمل» می‌نویسد: «انسان غافل، حق را از باطل و زیبا را از زشت تمیز نمی‌دهد و بدون اعتقاد باقی می‌ماند و نیز با پیروی از لذات، در چنگ شهواتش گرفتار است.

دروغ، چشم‌چرانی، غیبت و... می‌شوند و از قبح و زشتی آن بی‌خبر می‌مانند. این عادات زشت و ناروا، چنان در دل و جان این افراد رسوخ می‌کند که گویا غیر از انجام این عمل، چاره‌ای ندارند و به غیر از آن، راهی و عملی را نمی‌شناسند.

صاحب «تهذیب الاخلاق»

می‌نویسد:

«کسانی هستند که خواه خود آگاه گردند و یا آن‌ها را بی‌آگاهانند، نه تنها کوششی در جهت زدودن مظاهر ناپسند اخلاقی خویش، به عمل نمی‌آورند؛ بلکه با وجود آگاهی بر زشتی و ناپسندی خوی‌های خود، به خویشتن خویش اجازه پرهیز از سیره و شیوه معتاد را نیز نخواهند داد و بر اشتباه خویشتن، پافشاری تمام عیار خواهند داشت... [اینان] بد کردارانی هستند که به اصلاح آنان امیدی نیست. [اما] بیشتر مردم، کسانی هستند که در پذیرش بخشی وسیع از اخلاق پسندیده آمادگی دارند؛ ولی از پاره‌ای از آن خوی‌های پسندیده دوری

می‌کنند! ^۱

۸. نفس شهوانی

مهم‌ترین مشکل در برابر تبلیغات دینی در جامعه امروز ما، شهوت پرستی برخی از افراد است. اینان وجود هیچ‌گونه مانع و سدّی را در برابر شهوترانی خود برنمی‌تابند و سعی می‌کنند دیگران را نیز به این منجلاب بکشانند. چنین افرادی همواره با مبلغان و هدایت‌گران در ستیزند و اهل علم و تقوی را دشمن می‌دارند و همواره تهدیدی جدّی علیه جامعه دینی به شمار می‌آیند.

صاحب «تهذیب الاخلاق» می‌نویسد:

«نفس شهوانی به غایت نیرومند است و هر گاه آدمی بر آن چیره نگردد و آن را تحت تربیت خویش قرار ندهد؛ بنده آن می‌شود و شهوت بر وی چیره می‌گردد و چون بر آدمی استیلا یافت، سرکوبی و ریشه‌کن کردنش دشوار بوده، تهذیب نفس بر آدمی ناگوار می‌آید... شهوت پرست، نادانی بی‌آزرم و پرده‌در است. از اهل فضل

این از همه بیشتر، پذیرای درمان است و جز به تعلیم مرشد (راهنما) و انگیزه‌ای در نفس - که او را به پیروی وادارد - به چیز دیگری نیازمند نیست، [در این صورت] اخلاقش در کمترین وقت، نیکو خواهد شد.^۱»
علامه راغب اصفهانی نیز در این رابطه می‌گوید:

«انسان [غافل] حق را از باطل و خوب را از بد تشخیص نمی‌دهد و در حال غفلت باقی می‌ماند...^۲»
با درک این مشکل، می‌توان زمینه‌های غفلت و بی‌توجهی را از بین برد و ذکر و یاد خدا را در دل این افراد زنده کرد. البته تمدن عصر جدید بر این غفلت و بیخود شدن افزوده و هویت افراد را از بین برده است، که باید محاسن و معایب این تمدن بازگو شده و از فرو رفتن مردم در گرداب تجملات و مادی‌گرایی جلوگیری شود.

وای از آن دل که دری رو به خدا باز نکرد
تا فرا سوی ملک همّت پرواز نکرد
در حصار تن خود ماند و وجودش پوسید
خطر عشق نکرد و سفر آغاز نکرد

۱- میزان العمل، ص ۶۴.

۲- کرانه سعادت، ص ۷۶.

امروز به دلیل تهاجم
گسترده فرهنگی غرب،
وظیفه مبلغان سخت تر و
سنگین تر از گذشته
است. آنان باید با
فداکاری، استقامت و
ابتکار و خلاقیت، به
مبارزه با تهاجم ویرانگر
فرهنگی غرب پردازند و
با اخلاق و رفتار خوب
خود، به جذب قلوب همّت
گمارند.

مؤمنان دارد و با ترویج منکرات و
فحشاء، افراد را در دام خود گرفتار
کرده و آنان را از دین و معنویت منزجر
و گریزان می سازد.

گریزان است... اهل علم را دشمن
می شمارد و پارسایان و پرهیزگاران را
زشت می پندارد و تبه کاران را به
دوستی می گیرد...!^۱

شخصی که همواره به دنبال
شهوآت خود است و دائماً با فیلم و
عکس و نوار خلاف سر و کار دارد؛ به
سختی می تواند هدایت و راهنمایی
افراد دلسوز را قبول کند و یا با مسجد و
نماز انس و ارتباط برقرار سازد؟!

امروز به دلیل تهاجم گسترده
فرهنگی غرب، وظیفه مبلغان سخت تر
و سنگین تر از گذشته است. آنان باید با
فداکاری، استقامت و ابتکار و
خلاقیت، به مبارزه با تهاجم ویرانگر
فرهنگی غرب پردازند و با اخلاق و
رفتار خوب خود، به جذب قلوب
همّت گمارند.

۹. وسوسه های شیاطین

یکی دیگر از موانع مهم هدایت و
ارشاد مردم، وسوسه های شیطان است.
شیطان همواره و در همه جا، مانع
مهمی برای پیام آوران الهی بوده است.
او با جدیت و تلاش مداوم، سعی در
خشتی ساختن برنامه های تبلیغی

۱- تهذیب الاخلاق، ص ۵۰.

صدر المتألهین شیرازی رحمته الله علیه

می نویسد:

«تسویلات نفس اماره... و تدلیسات شیطان مکار و لعین نابه کار، بد را نیک و نیک را بد و امی نماید و معروف را منکر و منکر را معروف می شمارد و کارش ترویج سخنان باطل و تزئین عمل غیر صالح و تلبیس و تمویه نمودن و به مکر و حيله و غرور گراییدن و به زور خیالات فاسده و اوهام کاذبه انکار حق و ابطال براهین عقلیه پیش گرفتن و به دروغ و وسواس اعتماد داشتن... و حاصلش به جز خسران دنیا و آخرت چیزی نیست.»^۱

البته روشن است که شیطان منحصر در ابلیس نیست و شیاطین انسان نما نیز با انواع ترفندها و برنامه‌های ضد دینی (کتاب، داستان، فیلم، عکس، شعر و...) و به اسم هنر و ادب، دیگران را گمراه و منحرف می سازند و آنان را به ورطه گناه و فساد می کشانند.

مبلغان، باید با آگاهی بخشی به جامعه و افشای فعالیت‌های مخرب این گونه افراد، جلوی انحراف در دین و تباهی

جامعه را بگیرند و این کشتی آسیب دیده از بلا یا را محافظت کنند.

۱۰. بی خبری از عیوب و کاستی‌ها

یکی دیگر از مشکلات تبلیغ، بی خبری عده‌ای، از عیوب خود و پرداختن به عیب‌های دیگران است و این شامل خود مبلغان نیز می شود. چنین افرادی، دیگران را سراپا نقص و عیب می دانند و از عیوب و کاستی‌های خود به راحتی چشم می پوشند؛ چنان که عالم ربانی فیض کاشانی رحمته الله علیه می نویسد:

«متأسفانه بسیاری از مردم از عیب‌های خود بی خبراند؛ به اندازه‌ای که هرگاه یکی از افراد با دیگری ملاقات کند، بلافاصله خار را در چشم رفیقش می بیند با آن که شاخه را در چشم خود مشاهده نمی کند!»^۲

در این جا بایسته است که مبلغان در ابتدا به عیوب و کاستی‌های خود بینا و آگاه شوند و در صدد رفع آن‌ها برآیند. سپس این گونه افراد را نسبت به عیب‌های ظاهری و باطنی خود آگاه سازند و راه کارهای رفع این عیوب را ارائه دهند.

۱- رساله سه اصل، ص ۵۵.

۲- حقایق، ج ۱، ص ۱۴۰.